

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



## «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ»

تقدیم به:

ساحت مطهر و والای سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)

و تقدیم به:

دو فرشته مهربانی که سالها مشقت را به جان خویش خریدند و خود را سپر بلای فرازونشیبها و ناملایمات روزگارم کردند تا راه علم‌آموزی‌ام هموار شود. صمیمانه‌ترین تقدیرها، تقدیم به پدر و مادر عزیزم؛ که از نگاهشان صلابت، از رفتارشان محبت و از صبرشان، ایستادگی را آموختم.

تقدیم با بوسه بر دستان پرمهرشان

تقدیر و سپاس؛

بر خود لازم می‌دانم که از پدر بزرگ بزرگوار خویش؛ حضرت آیت الله غلامرضا صلواتی که بیش از هفتاد سال از عمر پربارشان را در کنار تهذیب نفس، به تدریس فقه و اجتهادپرووری از زمان آیت الله العظمی شیخ الفقها بروجردی (رضوان الله) گذراندند و چهره نورانی فقه آل محمد (علیهم السلام) را به من نمایاندند، تقدیر و تشکر خاضعانه به عمل آورم. (مَتَّعَ اللَّهُ ظَلَّةَ الْوَارِثِ)

بهترین سلام و درود را برای روح ملکوتی فقیه بصیر، سیاستمدار صادق، معلم اخلاق و مؤسس دانشگاه امام صادق (علیه السلام) حضرت آیت الله مهدوی کنی (رحمه الله) که بیش از پانزده سال از عمر و جوانی خود را زیر سایه ایشان در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) سپری نمودم، از خداوند متعال مغفرت و رحمت واسعه برای آن محب اهل بیت مسئلت دارم. (قَدَسَ اللَّهُ نَفْسَهُ الزَّكِيَّةَ)

و از مساعدت، حمایت، همراهی و هم‌اندیشی استاد گرامی و حقوق‌دان وارسته جناب آقای دکتر محمدجواد جاوید که بنده را در نگارش این کتاب یاری نمودند، همچنین از دانشمند فرهیخته جناب آقای دکتر محمود حکمت‌نیا و نیز از استاد معزز و معظم محقق اندیشمند جناب آقای دکتر سید محمد مهدی غمامی که با اختصاص وقت ارزشمند خویش، بنده را از مشاوره‌های دقیق بهره‌مند نمودند، سپاسگزارم و کمال تشکر را دارم. (وَفَّقَهُمُ اللَّهُ فِيمَا يَحِبُّ وَيَرْضَى)



# دولت و خانواده

مبانی، قلمرو و سازوکارهای تقنین در نظام حقوقی ایران

مؤلف:

دکتر مریم مهاجری

(دانش آموخته دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع))

پژوهشگر مسائل حقوقی خانواده

مدرس حوزه و دانشگاه



انتشارات  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

**عنوان:** دولت و خانواده؛ مبانی، قلمرو و سازوکارهای تقنین در نظام حقوقی ایران

**مؤلف:** دکتر مریم مهاجری

**ناشر:** دانشگاه امام صادق علیه السلام

**چاپ و صحافی:** چاپ سپیدان

**چاپ اول:** ۱۴۰۰

**قیمت:** ۷۲۰/۰۰۰ ریال

**شمارگان:** ۱۰۰۰ نسخه

**شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۳۴-۳

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲  
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir) • [www.press.isu.ac.ir](http://www.press.isu.ac.ir)

عنوان و نام پدیدآور: دولت و خانواده؛ مبانی، قلمرو و سازوکارهای تقنین در نظام حقوقی

سرشناسه: مهاجری، مریم، ۱۳۶۵ -

ایران؛ مؤلف مریم مهاجری.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۳۲۱ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۳۴-۳

موضوع: حقوق خانواده -- ایران

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: ۵۴۰ KMH

رده‌بندی دیویی: ۳۴۶/۵۵۰۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۳۳۳۳۳

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.  
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست مطالب

۱۵.....	سخن ناشر
۱۷.....	دیباچه
۱۹.....	مقدمه
۲۵.....	بخش اول: مفاهیم، پیشینه و نظرات رایج مداخله دولت در نهاد خانواده
۲۷.....	فصل ۱: مفاهیم و پیشینه مداخله دولت در نهاد خانواده
۴۱.....	فصل ۲: نظرات رایج مداخله دولت در نهاد خانواده
۵۹.....	بخش دوم: مبانی و قلمرو مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده
۶۱.....	فصل ۱: مبانی و علل مداخله دولت در نهاد خانواده
۹۹.....	فصل ۲: قلمرو مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده
۱۲۳.....	بخش سوم: حوزه‌های مداخله دولت در نهاد خانواده و شناسایی سازوکارهای حقوقی مطلوب
۱۲۵.....	فصل ۱: مداخله دولت در حوزه ازدواج و تشکیل خانواده
۱۶۵.....	فصل ۲: مداخله دولت در حوزه فرزندآوری
۲۰۹.....	فصل ۳: مداخله دولت در حوزه رفع اختلافات خانوادگی و طلاق
۲۶۹.....	نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها
۲۸۳.....	پیوست‌ها
۲۸۷.....	منابع و مآخذ
۳۰۷.....	نمایه





## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۵
دیباچه.....	۱۷
مقدمه.....	۱۹
بخش اول: مفاهیم، پیشینه و نظرات رایج مداخله دولت در نهاد خانواده.....	۲۵
فصل ۱: مفاهیم و پیشینه مداخله دولت در نهاد خانواده.....	۲۷
مقدمه.....	۲۷
۱. مفهوم‌شناسی.....	۲۷
۱-۱. نهاد خانواده.....	۲۷
۲-۱. دولت.....	۲۹
۳-۱. مداخله دولت.....	۳۰
۴-۱. سازوکارهای حقوقی و انواع آن.....	۳۱
۲. پیشینه مداخله دولت در نهاد خانواده.....	۳۶
جمع‌بندی.....	۳۸
فصل ۲: نظرات رایج مداخله دولت در نهاد خانواده.....	۴۱
مقدمه.....	۴۱
۱. نظریه مداخله حداکثری.....	۴۲
۱-۱. علل طرفداران نظریه مداخله حداکثری.....	۴۲
۱-۱-۱. تأثیر متقابل تغییرات جمعیتی در سیاست‌های دولت رفاه.....	۴۳
۲-۱-۱. تغییرات در محیط اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها.....	۴۴
۳-۱-۱. دغدغه‌مندی دولت بر تأمین مسائل رفاهی خانواده.....	۴۴

۴۴	۴-۱-۱. حفظ منافع و امنیت ملی کشور.....
۴۴	۵-۱-۱. بی‌اهمیتی حقوق و آزادی‌های فردی .....
۴۵	۲-۱. پیامدهای مداخله حداکثری دولت بر نهاد خانواده .....
۴۵	۱-۲-۱. استحاله کارکردهای خانواده .....
۴۶	۲-۲-۱. ضعف کارآمدی خانواده .....
۴۷	۳-۲-۱. کاهش اقتدار خانواده .....
۴۷	۴-۲-۱. تضعیف اخلاق در نهاد خانواده .....
۴۷	۵-۲-۱. بالا رفتن میزان طلاق و کودکان طبیعی .....
۴۸	۶-۲-۱. تضعیف روابط خویشاوندی .....
۴۸	۷-۲-۱. دولتی‌شدن خانواده .....
۴۹	۸-۲-۱. کنترل جمعیت .....
۴۹	۲. نظریه مداخله حداقلی .....
۵۰	۱-۲. علل طرفداران نظریه مداخله حداقلی .....
۵۱	۱-۱-۲. مکلف نبودن دولت در امور خانواده .....
۵۱	۲-۱-۲. حفظ و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی .....
۵۱	۳-۱-۲. پرهزینه بودن مداخله دولت در نهاد خانواده .....
۵۱	۴-۱-۲. عدم واگذاری کارکردهای خانواده به دولت .....
۵۲	۵-۱-۲. لزوم حفظ ارزش‌های اخلاقی در نهاد خانواده .....
۵۲	۲-۲. پیامدهای مداخله حداقلی دولت بر نهاد خانواده .....
۵۲	۱-۲-۲. به‌دام افتادن خانواده‌ها در شبکه‌های بیگانه .....
۵۳	۲-۲-۲. فروپاشی و اضمحلال نهاد خانواده .....
۵۳	۳. نظریه مداخله حداقلی، حفاظت حداکثری (نظریه مختار) .....
۵۶	جمع‌بندی .....
۵۹	بخش دوم: مبانی و قلمرو مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده .....
۶۱	فصل ۱: مبانی و علل مداخله دولت در نهاد خانواده .....
۶۱	مقدمه .....
۶۱	۱. مبانی مداخله دولت در نهاد خانواده .....
۶۲	۱-۱. مبانی فقهی .....
۶۲	۱-۱-۱. مصالح عامه .....

۶۶	۲-۱-۱. حفظ نظام.....
۶۸	۳-۱-۱. ولایت حاکم بر ممتنع.....
۷۱	۴-۱-۱. حکم عقل و بنای عقلا.....
۷۱	۲-۱. مبانی حقوقی.....
۷۱	۱-۲-۱. نظم عمومی.....
۷۴	۲-۲-۱. اصل حمایت از خانواده و تحکیم آن.....
۷۷	۳-۲-۱. اصل حمایت از افراد ضعیف.....
۷۹	۴-۲-۱. امر به معروف و نهی از منکر.....
۸۲	۲. علل ضرورت مداخله دولت در نهاد خانواده.....
۸۳	۱-۲. به لحاظ اهمیت نهاد خانواده و ویژگی‌های آن.....
۸۴	۲-۲. به لحاظ کارکردهای خانواده.....
۸۵	۱-۲-۲. کارکرد زیستی.....
۸۷	۲-۲-۲. کارکرد حمایتی و مراقبتی.....
۹۰	۳-۲-۲. کارکرد جامعه‌پذیری.....
۹۰	۴-۲-۲. کارکرد تربیتی و مسئولیت‌پذیری در اجتماع.....
۹۱	۳-۲. به لحاظ تأمین مصالح معنوی خانواده.....
۹۴	۴-۲. به لحاظ حفظ کیان خانواده.....
۹۵	۵-۲. به لحاظ مسائل سیاسی و امنیتی کشور.....
۹۶	جمع‌بندی.....
۹۹	<b>فصل ۲: قلمرو مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده.....</b>
۹۹	مقدمه.....
۱۰۰	۱. مداخله حداقلی.....
۱۰۱	۱-۱. در آیات.....
۱۰۱	۱-۱-۱. وجوب ازدواج پیامبر با زن فرزندخوانده.....
۱۰۲	۲-۱-۱. حل مشکلات خانوادگی.....
۱۰۳	۳-۱-۱. جدایی بین زنان مسلمان با همسران کافر.....
۱۰۴	۲-۱. در روایات.....
۱۰۵	۳-۱. از منظر فقیهان.....
۱۰۵	۱-۳-۱. فقهای متقدم.....

۱۰۶.....	۲-۳-۱. فقهای معاصر.....
۱۰۷.....	الف) مداخله دولت در گستره احکام غیرالزامی.....
۱۰۹.....	ب) نظریه منطقه الفراع.....
۱۱۱.....	ج) مداخله دولت در گستره احکام الزامی و غیرالزامی.....
۱۱۳.....	۲. حفاظت حداکثری.....
۱۱۶.....	۲-۱. در حیطه سیاست گذاری.....
۱۱۷.....	۲-۲. در حیطه قانون گذاری.....
۱۱۸.....	۲-۳. در حیطه قضائی.....
۱۲۱.....	جمع بندی.....
۱۲۳.....	بخش سوم: حوزه های مداخله دولت در نهاد خانواده و شناسایی سازوکارهای حقوقی مطلوب.....
۱۲۵.....	فصل ۱: مداخله دولت در حوزه ازدواج و تشکیل خانواده.....
۱۲۵.....	مقدمه.....
۱۲۶.....	۱. آسیب شناسی مداخله دولت در حوزه ازدواج و تشکیل خانواده.....
۱۲۶.....	۱-۱. ضعف سیاست گذاری دولت در تنظیم نیازهای جنسی جوانان.....
۱۲۷.....	۱-۲. رفتار منفعلانه دولت در مواجهه با ازدواج و تشکیل خانواده.....
۱۲۸.....	۱-۲-۱. فراهم نکردن مقدمات ازدواج از سوی دولت.....
۱۳۱.....	۱-۲-۲. مقابله نکردن دولت با ازدواج های ناروا و روابط آزاد.....
۱۳۵.....	۲-۱. بی توجهی دولت به ظرفیت نهاد ازدواج موقت.....
۱۳۷.....	۳-۱. نبود ارزیابی عملکرد دولت براساس رصد سالیانه وضعیت ازدواج.....
۱۳۸.....	۲. شاخص های مداخله مطلوب دولت در ازدواج و تشکیل خانواده.....
۱۳۹.....	۱-۲. لزوم احیای ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده.....
۱۴۰.....	۲-۲. اصل خانواده محوری.....
۱۴۲.....	۳-۲. اصل حمایت دولت از افراد برای تشکیل خانواده.....
۱۴۳.....	۲-۴. بهره گیری از ظرفیت ازدواج موقت در حوزه عمومی.....
۱۴۵.....	۳. سازوکارهای حقوقی مداخله مطلوب دولت در ازدواج.....
۱۴۶.....	۳-۱. سازوکارهای حقوق خصوصی.....
۱۴۶.....	۳-۱-۱. شروط ضمن عقد.....
۱۴۷.....	۳-۱-۲. نهاد حقوقی ازدواج موقت.....
۱۴۸.....	۳-۲. سازوکارهای مالی و مالیاتی.....

۱۴۹.....	۱-۲-۳. سازوکارهای رفاهی.....
۱۵۰.....	۲-۲-۳. سازوکارهای مالیاتی.....
۱۵۶.....	۳-۳. سازوکارهای اداری.....
۱۵۸.....	۴-۳. سازوکارهای کیفی.....
۱۵۹.....	۵-۳. فعال کردن نهادهای حقوقی ذیصلاح مرتبط.....
۱۶۰.....	۱-۵-۳. معاونت حقوقی امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.....
۱۶۱.....	۲-۵-۳. مراکز مشاوره خانواده.....
۱۶۲.....	جمع‌بندی.....
۱۶۵.....	<b>فصل ۲: مداخله دولت در حوزه فرزندآوری.....</b>
۱۶۵.....	مقدمه.....
۱۶۷.....	۱. سیر تحول قوانین و مقررات مرتبط با امر فرزندآوری.....
۱۷۲.....	۲. آسیب‌شناسی مداخله دولت در حوزه فرزندآوری.....
۱۷۳.....	۱-۲. سیاست‌های جمعیتی نامطلوب دولت و لزوم اصلاح آن.....
۱۷۵.....	۲-۲. فقدان اثربخشی قوانین و مقررات مربوط به فرزندآوری.....
۱۷۵.....	۳-۲. تبعیض در اعطای تسهیلات مربوط به فرزندآوری.....
۱۷۵.....	۴-۲. پیش‌بینی نشدن منابع تأمین مالی برای فرزندآوری.....
۱۷۸.....	۴-۲. رعایت نکردن آزمایش سرزمینی در قوانین مربوط به فرزندآوری.....
۱۸۲.....	۵-۲. خلأ قانونی در حوزه سیاست‌های غیرمستقیم فرزندآوری.....
۱۸۲.....	۶-۲. فقدان بستر مناسب جهت فرزندآوری و مشکلات اقتصادی.....
۱۸۳.....	۷-۲. نبود فرهنگ صحیح و آگاه‌سازی خانواده‌ها.....
۱۸۴.....	۸-۲. غفلت از سایر علل و عوامل کاهش فرزندآوری.....
۱۸۵.....	۹-۲. تعدد مراجع تقنینی و تشتت قوانین و مقررات جمعیتی.....
۱۸۷.....	۱۰-۲. پایش نکردن مستمر تغییرات جمعیتی و فرزندآوری.....
۱۸۸.....	۳. شاخص‌های مداخله مطلوب دولت در حوزه فرزندآوری.....
۱۸۸.....	۱-۳. مصالح عامه.....
۱۸۹.....	۲-۳. منطقه‌گرایی جمعیتی.....
۱۹۱.....	۳-۳. اصل تناسب.....
۱۹۳.....	۴-۳. اثربخشی قوانین جمعیتی.....
۱۹۴.....	۴. سازوکارهای مداخله مطلوب دولت در حوزه فرزندآوری.....

- ۱-۴. سازوکارهای مالی و مالیاتی ..... ۱۹۵
- ۱-۱-۴. سازوکارهای مالیاتی ..... ۱۹۶
- ۲-۱-۴. سازوکارهای رفاهی ..... ۱۹۹
- ۲-۴. سازوکارهای اداری ..... ۲۰۰
- ۱-۲-۴. کاهش ساعات کار ..... ۲۰۰
- ۲-۲-۴. کمک هزینه عائله مندی و اولاد ..... ۲۰۲
- ۳-۲-۴. مرخصی زایمان برای پدران ..... ۲۰۴
- ۴-۲-۴. فعال نمودن نهادهای عالی سیاست گذار ..... ۲۰۵
- جمع بندی ..... ۲۰۷
- فصل ۳: مداخله دولت در حوزه رفع اختلافات خانوادگی و طلاق** ..... ۲۰۹
- مقدمه ..... ۲۰۹
۱. آسیب شناسی مداخله دولت در رفع اختلافات خانوادگی و طلاق ..... ۲۰۹
- ۱-۱. ناکارآمدی محاکم خانواده در رسیدگی به دعاوی خانوادگی ..... ۲۱۰
- ۱-۱-۱. پیشینه تقنینی محاکم خانواده ..... ۲۱۲
- ۱-۱-۲. علل ناکارآمدی وضعیت فعلی محاکم خانواده ..... ۲۱۵
- ۲-۱. بهره گیری ناقص از ظرفیت مراکز مشاوره خانواده ..... ۲۱۷
- ۳-۱. نبود مراجعه به مراکز مشاوره در تمامی طلاق ها ..... ۲۱۸
- ۴-۱. ناکارآمدی داوری در طلاق ..... ۲۱۹
- ۱-۴-۱. سیر تقنینی داوری در اختلافات خانوادگی ..... ۲۱۹
- ۲-۴-۱. علل ناکارآمدی نهاد داوری در طلاق ..... ۲۲۱
- ۳-۴-۱. بهره نگرستن از ظرفیت داوری در تمامی دعاوی طلاق و اختلافات خانوادگی ..... ۲۲۴
- ۵-۱. تسهیل طلاق در قوانین و مقررات موجود ..... ۲۲۶
- ۱-۵-۱. سیر تقنینی طلاق در قوانین و مقررات موجود ..... ۲۲۷
- ۲-۵-۱. تسهیل طلاق توافقی ..... ۲۳۰
- ۳-۵-۱. قصور دولت در حمایت گری از نهاد خانواده و طلاق زدایی ..... ۲۳۲
- ۶-۱. بی ثباتی رویه قضائی حاکم بر محاکم خانواده ..... ۲۳۴
۲. شاخص های مداخله مطلوب دولت در رفع اختلافات خانوادگی و طلاق ..... ۲۳۶
- ۱-۲. اتخاذ سیاست های افتراقی در دعاوی خانوادگی ..... ۲۳۶
- ۲-۲. احیای نهاد حکمیت ..... ۲۳۹

۲۴۲	۳-۲. اصل پیشگیری حداکثری از انحلال خانواده
۲۴۴	۴-۲. اثربخشی ضمانت اجرا در نهاد خانواده
۲۴۵	۵-۲. ایجاد و توسعه رویه قضائی واحد
۲۴۵	۳. سازوکارهای مداخله دولت در رفع اختلافات خانوادگی و طلاق
۲۴۶	۱-۳. سازوکارهای حقوق خصوصی
۲۴۶	۱-۱-۳. نهاد حقوقی تفریق جسمانی
۲۵۳	۲-۱-۳. استفاده از قوانین تکمیلی
۲۵۳	۳-۱-۳. ارائه گواهی های لازم مبنی بر عدم امکان سازش در کلیه طلاق ها
۲۵۴	۲-۳. سازوکار قضائی
۲۵۴	۱-۲-۳. تخصصی شدن رسیدگی به دعاوی خانوادگی
۲۵۵	۲-۲-۳. ساختار دادگاه خانواده
۲۵۶	۳-۲-۳. واحدهای مورد نیاز دادگاه خانواده
۲۶۱	۳-۳. سازوکارهای کیفی
۲۶۲	۴-۳. سازوکارهای مالی
۲۶۵	جمع بندی
۲۶۹	نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها
۲۸۰	ارائه پیشنهادها
۲۸۳	پیوست ها
۲۸۷	منابع و مأخذ
۳۰۷	نمایه

### فهرست شکل ها، نمودارها و جداول

۱۱۵	شکل (۱): حوزه های قلمرو مداخله دولت در نهاد خانواده
۱۳۷	نمودار (۱): نمودار ستونی آمار وضعیت ازدواج در کشور از سال (۱۳۶۵) تا (۱۳۹۷)
۱۳۸	نمودار (۲): نمودار منحنی آمار وضعیت ازدواج در کشور از سال (۱۳۶۵) تا (۱۳۹۷)
۱۷۹	نمودار (۳): وضعیت تراکم جمعیت استان ها در سال (۱۳۹۵)
۱۸۰	نمودار (۴): مقایسه وضعیت تراکم جمعیت استان ها در سال (۱۳۹۰) و (۱۳۹۵)
۲۱۱	نمودار (۵): نمودار ستونی وضعیت طلاق در کشور از سال (۱۳۶۵) تا (۱۳۹۷)
۲۱۱	نمودار (۶): نمودار منحنی وضعیت طلاق در کشور از سال (۱۳۶۵) تا (۱۳۹۷)
۲۷۱	شکل (۲): امکان سنجی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده

- شکل (۳): فرایند شناسایی سازوکارهای مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده..... ۲۷۲
- جدول (۱): وضعیت تراکم جمعیت استان‌ها به تفکیک (۱۳۹۵ و ۱۳۹۰)..... ۲۸۳
- جدول (۲): آمار وضعیت ازدواج در کشور از سال (۱۳۶۵) تا (۱۳۹۷)..... ۲۸۴
- جدول (۳): آمار وضعیت طلاق در کشور از سال (۱۳۶۵) تا (۱۳۹۷)..... ۲۸۵



## سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آن‌که ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاء‌الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## دیباچه

در نگاه نخست به نظر می‌رسد که خانه و خانواده، یک چهاردیواری است و در واقع نهادی خصوصی است و عملاً براساس عرف جوامع، دولت‌ها باید از مداخله در آن اجتناب نمایند. اما نهاد خانواده در ابعاد مختلفی می‌تواند دولت و به دنبال آن کل جامعه را به چالش بکشد. اگر به تقسیم‌بندی سنتی جامعه براساس نهاد خانواده، نهادهای مدنی و نقش دولت باور داشته باشیم، در آن صورت، می‌توان قبول کرد که مسئولیت دولت در قبال جامعه، در بخشی مهم ناظر به تکالیف دولت در قبال نهاد خانواده و اعضای آن است.

امروزه در دولت‌های پسامدرن مداخله دولت به سمت نوعی بی‌طرفی محض تمایل پیدا کرده است که در آن جامعه، نهاد خانواده و نهاد مدرسه به عنوان مثال هر دو از یک اعتبار اجتماعی مساوی برخوردارند و لذا همان‌گونه که در آموزش مدارس حرکت از کمی‌نگری به کیفی‌سازی پیش رفته است، در نهاد خانواده هم چنین الگویی مطلوب تلقی شده است؛ از این روی اگر آموزش توصیفی و ادراکی جای آموزش‌های دقیق اثباتی و پوزیتیویستی را گرفته است در نهاد خانواده هم نوعی تمایل به بازتعریف مفهوم خانواده و حتی ضرورت آن جای خانواده‌های هسته‌ای و گسترده عصر کلاسیک و مدرن را گرفته است. بنابراین تناسب تعهد اثباتی یا ادراکی دولت در بسیاری از مواقع بسته به تعریف خود دولت و نقش نهادی آن در یک جامعه هم بازمی‌گردد.

با کاهش اقتدار نظام پدرسالارانه و مادرسالارانه عصر سنت در دوران مدرن، دولت‌ها در مواجهه با موج فردگرایی تلاش کردند تا سرپناهی پدرگونه برای اعضای خانواده مدرن به‌ویژه فرزندان باشند. در این دوره تضعیف نقش پدر و حاکمیت او عملاً به سود اقتدار فمینیستی مادر

نشد و نتیجه ملموس آن افزایش تعهدات دولت بود. دولت با کمک نهادهای مدنی و مؤسسات اجتماعی تلاش کرد تا برای مداخله ایجابی خود در نهاد خانواده سازوکارهای حمایتی جدی و موجهی فراهم کند، غافل از آن که به تدریج اساس خانواده و مفهوم سنتی آن در حال پوست‌اندازی است و این نوع مداخلات منجر به انزوای بیشتر شهروندان در فرار از تعهدات تاریخی و طبیعی آن‌ها در قبال قداست خانواده و فرزندان آن به مثابه اصلی‌ترین محصول آن خواهد شد. در دوران پست‌مدرن، نهاد خانواده، مدنیت و دولت، به یکباره، هر سه بازتعریف شدند؛ به گونه‌ای که نتیجه منطقی چنین ساختارشکنی‌ای توسعه مفهوم خانواده و اشکال آن از منظر کمی و کیفی شد. در چنین فضایی، بحث سازوکارهای مداخله ایجابی یا سلبی دولت اساساً بی‌معنا گردید؛ چراکه با ازبین‌رفتن مناطهای سنتی مداخله، اکنون هر نوع مداخله‌ای فی‌نفسه بد خواهد بود؛ زیرا تکثرگرایی برای خود محملی در جزئی‌ترین نهاد اجتماع یعنی خانواده پیدا کرده است و لذا رویکرد نتولیرالیستی ایجاب می‌کند که در حد دفع شر و ضرور، دولت مداخله جزئی داشته باشد؛ مشروط به آن که خانواده‌ای طالب آن باشد. در غیر این صورت، اساساً خوب و بد بودن مداخله یا حتی داشتن خانواده و تأکید بر تأسیس یا تثبیت آن چندان اولویتی برای دنیای پست‌مدرن معاصر ندارد. در نتیجه، بسته به این که جامعه ایرانی معاصر در کدام پلکان ادوار تمدنی نشسته است، می‌توان از سازوکارهای مداخله یا مداخله مطلوب و نامطلوب سخن گفت.

در کتاب پیش‌رو، سرکار خانم دکتر مریم مهاجری تلاش کرده‌اند به تبیین حقوقی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده که همسو با جامعه اسلامی ایران و ارزش‌های دینی و قانونی آن باشد، برسند. در بخشی از این پژوهش، ارائه الگوی مناسب هم‌مدنظر نگارنده محترم بوده است. طبعاً ارزش این اثر فراتر از مقدمه مؤجز اینجانب است؛ لذا به دلیل اعتبار ذاتی آن، به‌عنوان یک اثر ارزشمند در حوزه حقوق عمومی همواره قابل توصیه است.

۱۵ فروردین ۱۴۰۰

محمدجواد جاوید

استاد دانشگاه تهران

## مقدمه

از آنجا که روابط میان خانواده و دولت، رابطه‌ای دوسویه و متقابل است؛ اتخاذ سیاست‌ها، تصویب قوانین و مقررات درست یا نادرست دولت، نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر نهاد خانواده، به‌عنوان بارزترین مصداق حریم خصوصی و با توجه به آثار و کارکردهای دوگانه (خصوصی و عمومی) خانواده در حوزه حقوق عمومی، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که می‌توان بهنجاری یا نابهنجاری جامعه را نشئت گرفته از نهاد خانواده دانست (اسدی و میرزازاده، ۱۳۹۲: ۸)؛ بر این اساس بنیادی بودن خانواده و متفاوت بودن آن از سایر نهادهای خصوصی، موجب شده که نهاد خانواده از موضوعاتی که صرفاً باید در حقوق خصوصی بدان پرداخته شود، خارج گردد و در حوزه مسائل حقوق عمومی نیز قرار گیرد (کعبی، ۱۳۹۵: ۱۳).

در مقدمه قانون اساسی و اصل دهم<sup>۱</sup>، خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی معرفی شده است که از مهم‌ترین وظایف دولت به پاسداری از قداست خانواده، استواری و استحکام بخشی خانواده و حمایت از نهاد خانواده اشاره شده است. همچنین تمامی سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها طبق اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز توسعه، تصویب‌نامه اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن مصوب (۱۳۸۴)، سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، بایستی در راستای حفظ نظم عمومی، مصالح عامه و مصالح خانواده

۱. اصل (۱۰) قانون اساسی: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

باشد؛ لیکن متأسفانه در طول چهار دهه پس از انقلاب اسلامی در ایران، به‌رغم انتظاری که می‌رفت، دولت در برخی حوزه‌ها با مداخله نابه‌جای خود، این نهاد را گرفتار آسیب‌ها و مشکلاتی نموده است؛ به‌گونه‌ای که به فروپاشی و اضمحلال کیان خانواده و به‌تبع آن به تضعیف حوزه عمومی منجر شده است (قانونی‌راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۴).

در اهمیت این موضوع باید گفت، گرچه مداخله دولت در نهاد خانواده، می‌تواند ظرفیتی در دست جامعه اسلامی برای تحکیم نهاد خانواده باشد؛ اما عملکرد نادرست دولت در اتخاذ سازوکارهای حقوقی در نهاد خانواده، ممکن است نابسامانی‌هایی را ایجاد کند؛ از این‌رو جهت برون‌رفت از وضعیت موجود، لازم بود پیرامون مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده، مطالعات منسجم و متقنی صورت گیرد. طبق بررسی‌های صورت‌گرفته و مطالعات انجام‌شده، پیش از این در کشور، پژوهشی منسجم و قاعده‌مند در زمینه دولت و خانواده با رویکرد حقوق عمومی انجام‌نشده است. عمده آثار انجام‌شده پیرامون نهاد خانواده مربوط به حوزه حقوق خصوصی، حقوق خانواده و یا مباحث فقهی فارغ از موضوع رویکرد حقوق عمومی به نهاد خانواده است. حال آن‌که تمرکز نگارنده، تبیین حقوقی رابطه دولت در ارتباط با نهاد خانواده در حوزه عمومی کشور است که آن را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند؛ لذا دغدغه نگارنده متفاوت از سایر نویسندگانی است که تاکنون تمام توجه خویش را به نهاد خانواده با رویکرد حقوق خصوصی یا مباحث فقهی منعطف کرده‌اند؛ بدون این‌که به تعامل دولت و نهاد خانواده در راستای حقوق عمومی براساس اصل دهم قانون اساسی توجه نمایند؛ البته از آنجا که پیرامون مداخله دولت در نهاد خانواده، پژوهشی منسجم در کشور صورت نگرفته است، نگارنده در گردآوری مطالب دچار چالش‌ها و محدودیت‌هایی شد. نبود منابع دست اول در این موضوع، انجام کار تحقیقاتی را سخت نمود. سخت‌تر آن‌که منابع موجود پیرامون نهاد خانواده، عمدتاً پراکنده است و یا صرفاً اشاراتی به موضوع دارد.

مؤلف در کتاب حاضر که حاصل سال‌های متمادی مطالعات پیرامون حقوق خانواده و مطالعات ایشان در مقطع دکتری و برگرفته از فرصت مطالعاتی و رساله دکتری ایشان با رویکرد حقوق عمومی می‌باشد، درصدد آن است که به امکان‌سنجی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده با مطالعه مبانی، قلمرو و سازوکارهای حقوقی مداخله دولت در نهاد خانواده، بپردازد؛ به‌همین دلیل نگارنده در پژوهش پیش‌رو، برای پاسخ به این پرسش اصلی که «مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران چگونه ترسیم می‌شود؟» به بررسی مبانی، قلمرو و سازوکارهای حقوقی مداخله مطلوب دولت جمهوری اسلامی ایران در نهاد خانواده می‌پردازد.

چراکه امکان‌سنجی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده در راستای مطالعه مبانی، قلمرو و سازوکارهای حقوقی مداخله دولت در نهاد خانواده، محقق می‌شود. از این‌رو در این نوشتار لازم است، به‌منظور امکان‌سنجی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده به چنین سؤالاتی پاسخ داده شود: مبانی فقهی و حقوقی مداخله دولت در نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ قلمرو و محدوده مداخله دولت جمهوری اسلامی ایران در نهاد خانواده تا چه میزانی باید باشد؟ آیا دولت جمهوری اسلامی ایران، توانسته است با عنایت به سیاست‌های کلی خانواده، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، قوانین و سایر مقررات، در جهت اجرای اصول (۱۰) و (۲۱) قانون اساسی، در راستای تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده گامی مؤثر بردارد؟ آیا سازوکارهای حقوقی موجود توانسته مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده را رقم بزند؟ دولت برای تحقق مداخله مطلوب در نهاد خانواده، چه سازوکارهای حقوقی را بایستی در پیش گیرد؟ پاسخ به تمامی این سؤالات، مؤلف را به تصویری واقع‌بینانه از مداخله مطلوب دولت در راستای وظایف اصلی آن در جهت تسهیل تشکیل خانواده، تحکیم و تعالی آن رهنمون می‌سازد.

منظور نویسنده از دولت در این نوشتار، حاکمیت است که نهادهای حاکمیتی مؤثر همچون رهبری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه، شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی امنیت ملی را نیز در برمی‌گیرد.

در پژوهش پیش‌رو در گام اول، پیرامون مشروعیت مداخله دولت در نهاد خانواده، طبق مبانی فقهی و حقوقی حاکم بر نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران، بحث می‌شود و به علل و چرایی ضرورت مداخله دولت در نهاد خانواده اشاره می‌شود. چراکه به دلیل تفاوت مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها، ماهیت مداخله دولت، متفاوت از سایر دولت‌ها است. سپس در گام بعدی با توجه به اثبات مشروعیت مداخله دولت در نهاد خانواده، قلمرو و محدوده مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده مبتنی بر مبانی فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران از منظر نگارنده تبیین می‌گردد. در گام آخر نیز پس از تبیین مبانی و قلمرو مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران، جهت شناسایی سازوکارهای حقوقی مطلوب توسط دولت در نهاد خانواده، به آسیب‌شناسی عملکرد دولت بعد از انقلاب اسلامی ایران در سه حوزه مهم - شامل ازدواج و تسهیل در تشکیل خانواده، فرزندآوری، طلاق و رفع اختلافات خانوادگی - که نمونه اعلا مداخلات دولت در نهاد خانواده طبق اصل دهم قانون اساسی می‌باشد،

پرداخته می‌شود؛<sup>۱</sup> البته نویسنده به بررسی و تحلیل آن دسته از مداخلات دولت ناظر بر نهاد خانواده می‌پردازد که در چهارچوب سیاست‌های کلی دولت، قوانین و مقررات باشد؛ لذا رفتار، عملکرد و اقدامات دولت در ارتباط با نهاد خانواده، مورد بررسی قرار نمی‌گیرد؛ به جهت آن که دامنه وسیعی را شامل می‌شود و نیاز به تحقیقات پیمایشی و کمی دارد.

در این مرحله به منظور برون‌رفت از وضعیت موجود و شناسایی سازوکارهای حقوقی مناسب، به فراخور حوزه‌های مداخله دولت در نهاد خانواده، شاخص‌ها و ضابطه‌های حاکم بر سازوکارهای اتخاذی دولت که تأمین‌کننده مصالح عمومی و مصلحت خانواده باشد مورد کشف و واکاوی قرار می‌گیرد؛ زیرا به کارگیری سازوکارهای نابه‌جای دولت در نهاد خانواده، موجب ازم‌گسیختگی و فروپاشی نهاد خانواده می‌شود؛ لذا با توجه به آسیب‌های ناشی از مداخله دولت در نهاد خانواده در وضعیت موجود، امکان‌سنجی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده از مهم‌ترین مسائل کاربردی و ضروری در جامعه امروزی است؛ به گونه‌ای که این موضوعات، قابلیت نوعی سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری در راستای برنامه‌های دولت در جمهوری اسلامی ایران در حوزه خانواده دارد.

در نتیجه به منظور تحقق مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده، مداخله دولت باید هدفمند، آینده‌نگرانه، متمرکز و همه‌جانبه نسبت به مسائل و امور خانواده صورت گیرد و این امر انجام نمی‌شود مگر این که دولت سازوکارهای حقوقی مناسبی در نهاد خانواده با اهداف جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نماید. لذا دولت بایستی با هدف اجرایی نمودن اصل دهم قانون اساسی، با بهره‌گیری از سازوکارهای حقوقی همچون سازوکارهای حقوق خصوصی، کیفری، قضائی، مالی و اداری در راستای نظم عمومی، مصالح عامه و صیانت از نهاد خانواده، مداخله نماید.

«بخش نخست» این کتاب، به مفاهیم، پیشینه و نظرات رایج مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده اختصاص دارد. در «بخش دوم»، از مبانی و قلمرو مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران بحث خواهد شد. «بخش سوم» این کتاب که شامل مباحث مفصلی است، اختصاص به چگونگی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده دارد. اهتمام نگارنده در بخش پایانی، شناسایی سازوکارهای حقوقی مناسب به منظور مداخله مطلوب دولت در نهاد

۱. با توجه به تأکید اصل دهم قانون اساسی بر تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده، نویسنده از میان تمامی حوزه‌های مداخله دولت در نهاد خانواده، این موارد را که در راستای عملی نمودن اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران مؤثر و کارگشاست، مورد نقد و بررسی قرار خواهد داد.



خانواده است. البته مطالعات بیشتری در این بخش به اقتضای محتوای مطالب انجام می‌گیرد؛ چراکه به‌منظور شناسایی سازوکارهای حقوقی مناسب، بایستی عملکرد دولت در ارتباط با نهاد خانواده مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. برای این منظور، به آسیب‌شناسی برخی از مهم‌ترین حوزه‌های مداخله دولت در نهاد خانواده همچون ازدواج و تشکیل خانواده، فرزندآوری، و رفع اختلافات خانوادگی و طلاق که تأثیر شایانی بر جامعه دارد، پرداخته می‌شود.

و من الله التوفیق

مریم مهاجری

بهار ۱۴۰۰

*((mohajerilaw@gmail.com*

*(m.mohajeri.isu.ac.ir)*



## بخش اول:

### مفاهیم، پیشینه و نظرات رایج مداخله دولت در نهاد خانواده

امکان‌سنجی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران، مستلزم شناخت مبانی، قلمرو و سازوکارهای حقوقی دولت در این حوزه است. اما قبل از آن لازم است در راستای امکان‌سنجی مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده، به چهارچوب نظری تحقیق اشاره گردد؛ چرا که مفهوم‌شناسی، پیشینه مداخله دولت در نهاد خانواده و واکاوی نظرات رایج مداخله دولت‌ها در نهاد خانواده و نقد و تحلیل آن، از مهم‌ترین مواردی است که پیش از ورود به موضوع اصلی پژوهش، به شناخت موضوع، حدود و ثغور آن کمک می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که مؤلف را در ارائه فرضیه مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران رهنمون می‌کند.

از این‌رو در این بخش، ابتدا به مفهوم‌شناسی اصطلاحات مهم و اساسی و پیشینه مداخله دولت در نهاد خانواده اشاره می‌شود. سپس نظرات رایج مداخله دولت در نهاد خانواده، ادله و پیامدهای آن واکاوی می‌شود. در نهایت در قسمت پایانی در این بخش، به ادعای نگارنده مبنی بر فرضیه مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده اشاره می‌شود.



## فصل ۱:

### مفاهیم و پیشینه مداخله دولت در نهاد خانواده

#### مقدمه

در فصل نخست، معمول این است که پیش از ورود به موضوع اصلی تحقیق، چهارچوب نظری تحقیق مطرح گردد؛ تا به شناخت موضوع، حدود و ثغور آن کمک نماید. از این رو در فصل پیش رو، ابتدا به مفهوم‌شناسی اصطلاحات مهم و اساسی و پیشینه مداخله دولت در نهاد خانواده اشاره می‌شود. سپس در فصل بعدی به واکاوی نظرات رایج مداخله دولت در نهاد خانواده، ادله و پیامدهای آن و نظریه مختار نگارنده مبنی بر مداخله مطلوب دولت در نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

#### ۱. مفهوم‌شناسی

در این قسمت، مفاهیم مهم و اساسی از جمله مفهوم خانواده، دولت، مداخله دولت و سازوکارهای حقوقی را مورد بررسی قرار داده تا مقصود مؤلف، از این واژگان کلیدی و اصطلاحات اصلی به تناسب موضوع در این نوشتار روشن شود.

#### ۱-۱. نهاد خانواده

نهاد خانواده، عنوانی کلی است که از منظرهای متفاوتی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ علی‌رغم تعاریف متعددی که از نهاد<sup>۱</sup> ارائه شده، می‌توان به وضوح بیان داشت که خانواده نه تنها نخستین و اصلی‌ترین

۱. نهاد به معنای ارگان و مجموعه‌ای است که در آن ساختارها، ارزش‌ها، سنت‌ها و قومیت‌هایی وجود دارد که از سنت‌ها و آدابی در روابط فی‌مابین اعضا یا اجزا تبعیت می‌کند. هر نهادی، کارکردی دارد که آن نهاد به منظور وصول به آن کارکردها تشکیل داده شده است.

نهاد اجتماعی<sup>۱</sup> است، بلکه زیربنای سایر نهادهای دیگر است که دارای کارکردهایی می‌باشد. در این قسمت مفهوم خانواده را از منظر لغوی و اصطلاحی از منظر علم حقوق تعریف نموده تا مقصود نگارنده از اصطلاح نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران روشن شود.

خانواده در زبان انگلیسی، «Family» است. این واژه لاتین از ریشه «Familia» به معنای «برده» و «مستخدم» گرفته شده است؛ زیرا در گذشته، نهاد خانواده گسترده بوده و شامل غیراعضای خانواده، نظیر خدمتکار هم شده است. واژه «اهل» که در آیات قرآن به کار رفته، در مواردی که به نام افراد نسبت داده شود و یا به ضمیری اضافه گردد که به اشخاص بازگردد، بار معنایی خانواده را دارد<sup>۲</sup> (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸: ۲)؛ بدین ترتیب خانواده در لغت به معنای عائله، زن و فرزند، اعضای تشکیل دهنده آن یعنی اهل خانه، مجموعه افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که زیر یک سقف زندگی می‌کنند و مجموعه خویشاوندان تعریف شده است (معین، ۱۳۷۶: ۵۸۴).

درباره تعریف خانواده در اصطلاح باید گفت، خانواده لزوماً به عنوان یک واحد بیولوژیک نبوده و مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی نیز در تعریف خانواده اثرگذار است؛ بر این اساس، مفهوم خانواده در هر کشوری به مقتضای آداب و رسوم و قوانین پذیرفته شده داخلی، تعریف خاص خود را دارد.

در این نوشتار، به تعریف نهاد خانواده در جمهوری اسلامی ایران که منبعث از نظام فکری اسلام است، پرداخته می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران، ازدواج، جهت تشکیل خانواده لازم است؛ بنابراین گردهم آمدن گروه‌هایی از افراد در کنار یکدیگر بدون نکاح شرعی، نمی‌تواند خانواده محسوب شود. زیرا در نظام حقوقی ایران طبق اصل چهارم قانون اساسی<sup>۳</sup>، موازین اسلامی در مفهوم‌شناسی نهاد خانواده دخیل است.

در مواد قانون مدنی در فصل خانواده، به تنظیم روابط خانوادگی، اعم از نکاح و قیمومت و روابط زناشویی پرداخته است اما تعریفی از خانواده بیان نکرده است. البته شورای عالی انقلاب

می‌شود (فیلدینگ آگ‌برن و مایر نیم‌کوف، ۱۳۸۰: ۳۳۶).

#### 1. Social Instituti

۲. این واژه گاه به «الکتاب» نسبت داده شده است «اهل الکتاب» و در مواردی به «القری» مانند «اهل القری» و در مواردی به «المدینه» و... در این کاربردها، معنای اهل بسته به مضاف‌الیه آن است.

۳. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

فرهنگی که سند «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» در جلسه (۵۶۴) مورخ ۸۴/۴/۷ به تصویب رساند، تعریفی از خانواده ارائه داده است. در این سند در تعریف خانواده، بیان شده: «خانواده، گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به‌عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی به‌نام خانواده زندگی می‌کنند»<sup>۱</sup>.

بعضی از حقوق‌دانان در تعریف خانواده، گفته‌اند گروهی است که به‌دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و در رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ج: ۱: ۱۴). برخی دیگر با توجه به عامل سازنده خانواده و کارکرد زیستی آن، خانواده را نهادی حقوقی و عاطفی تعریف کرده‌اند که به‌وسیله عقد بین زن و مرد ایجاد می‌شود و مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است (طاهری، ۱۴۱۸ق، ج: ۳: ۶-۵؛ محقق داماد، ۱۳۶۵، ج: ۱: ۲۲)؛ بنابراین با توجه به تعاریف مختلفی که شده است، می‌توان برای مفهوم خانواده، معنای عام و خاص قائل شد: خانواده در معنای عام، عبارت است از گروهی از افراد مرکب از شخص و خویشان نسبی و همسر او که از یکدیگر ارث می‌برند؛<sup>۲</sup> ولی خانواده در معنای خاص، عبارت است از زن و شوهر و فرزندان تحت سرپرستی آن‌ها که معمولاً باهم زندگی می‌کنند و تحت ریاست شوهر و پدر می‌باشند (صفایی و امامی، ۱۳۹۳: ۱۰-۹)؛ از این‌رو در این پژوهش، مقصود از نهاد خانواده واحد بنیادین جامعه و نهادی مقدس است که از ازدواج یک زن و مرد به‌وجود می‌آید و فرزندان حاصل از ازدواج آن را تکمیل می‌کنند.

## ۲-۱. دولت

شناخت مفهوم دقیق واژه دولت در موارد مختلف در صیانت از حقوق مردم و منافع حکومت نقشی مهم و غیرقابل انکار دارد. در زبان انگلیسی برای «دولت» واژه «State»، در زبان فرانسه واژه «Etat» و در زبان عربی واژه دوله را به‌کار می‌برند که همه این الفاظ دولت را در مفهوم کشورداری ترسیم می‌کنند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹، ج: ۲: ۴۸-۴۷).

در اصطلاح نیز، «دولت» به‌معنی گروهی از مردم است که در زمین معینی مستقر هستند و طبق نظام خاصی استقلال دارند و نیز به معنی جمع منظمی آمده است که دارای حکومت مستقلی

1. <http://www.sccr.ir/pro/1418/>

۲. برگرفته از مواد ۸۶۲ و ۱۰۳۲ قانون مدنی.

هستند؛ به نحوی که آن را از جوامع مشابه متمایز می‌کند. پس «دولت» یک تشکل سیاسی و حقوقی است که حیات اجتماعی یک ملت را سامان می‌دهد (هاشمی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲). در تعریف دیگر آمده است: «دولت عبارت است از هیئت حاکمه در یک کشور با تمام سازمان‌ها و عواملش» (شریف قریشی، ۱۳۷۹: ۶۷)؛ چنان‌که حقوقدانان اشاره داشته‌اند، سه عامل مهم در تکوین مفهوم دولت نقش اساسی دارد: ۱. گروه انسانی (جمعیت) ۲. چهارچوب فضایی (سرزمین) ۳. قدرت سیاسی (نیروی فرمانروایی) (استوارسنگری، ۱۳۸۸، ش ۱۱: ۴۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۱۴). در اصطلاح حقوق عمومی نیز، «دولت» یک نهاد است که دارای شخصیت حقوقی می‌باشد. واژه دولت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به سه مفهوم به‌کار برده شده است که عبارتند از: ۱. دولت به مفهوم کشور یا ملت؛ ۲. دولت به مفهوم حکومت یا طبقه حاکم؛ ۳. دولت به مفهوم قوه مجریه (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۲: ۵۵-۵۴).

در این نوشتار، منظور نویسنده از دولت به معنای عام آن، یعنی حاکمیت است که شامل نهادهای دارای اقتدارات ویژه از جمله رهبری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه، شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی امنیت ملی می‌شود.

### ۱-۳. مداخله دولت

از آنجا که یکی از واژگان اصلی پژوهش، اصطلاح مداخله دولت می‌باشد، مفهوم‌شناسی آن ضروری است.

مداخله در لغت به معنای دخالت در امور دیگران، دست‌اندازی و مداخلت، مبادرت و درآمدن در کاری و دست‌اندازی به حقوق و امور دیگران آمده است (عمید، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶۵۲؛ دهخدا، ۱۳۷۵، ج ۱۲: ۱۸۱۱۷).

در اصطلاح حقوق عمومی مداخله دولت، فعالیتی عمدی و برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند در یک سامانه یا فرایندی است که از طریق سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مقررات‌گذاری و غیره به از بین بردن پدیده‌ای نامطلوب یا پیشگیری از آن می‌انجامد (هادی‌فر، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۰).

مراد نگارنده از اصطلاح مداخله در این نوشتار، به معنای موسع مداخله دولت در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره نیست، بلکه به معنای مداخله حقوقی دولت در نهاد خانواده از طریق سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری با رویکرد حقوق عمومی و با هدف حفظ



منافع عمومی و حفاظت از نهاد خانواده است.

به عبارت دیگر مداخله دولت در نهاد خانواده، به دوروش حقوقی و غیرحقوقی انجام می‌شود که در این پژوهش، مداخله حقوقی که از طریق تنظیم قوانین و مقررات است، مقصود مؤلف می‌باشد. در واقع، در این کتاب، نویسنده در پی شناسایی ابزارها و سازوکارهای تقنین دولت در نهاد خانواده است.

مقررات‌گذاری که یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی مداخله دولت است، در زبان انگلیسی واژه «Regulatory»<sup>۱</sup>، بر آن استعمال می‌شود. هرچند تاکنون فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای این واژه معادلی ارائه نداده است؛ اما معادل آن در حقوق اداری، تنظیم مقررات است. رگولاتوری در اصطلاح حقوق عمومی، به معنای تنظیم قاعده یا رفتاری به قصد رسیدن به حد مطلوب می‌باشد (یاوری، ۱۳۹۳: ۲؛ چراغیان، ایمان، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۳). در این نوشتار، مقصود از رگولاتوری، تنظیم قوانین و مقررات توسط دولت در نهاد خانواده است که بعضاً با هدف تأثیرگذاری بر رفتارها و کارکردهای نهاد خانواده اعمال می‌شود.

#### ۱-۴. سازوکارهای حقوقی و انواع آن

سازوکار در لغت به معنای مکانیسم، روش، چگونگی و ترتیب کار آمده است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۷: ۳۴-۳۳) و در اصطلاح حقوقی، سازوکار، قواعد الزام‌آوری هستند که به منظور ایجاد نظم عمومی و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. از اوصاف و ویژگی‌های سازوکارهای حقوقی، الزام‌آور بودن، ضمانت اجرا داشتن، کلی و عمومی بودن و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی ذکر شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۷).

مقصود نگارنده از سازوکارهای حقوقی<sup>۲</sup> در این نوشتار، روش‌ها و ابزارهای حقوقی است که

۱. رگولاتوری در معنای عام به هرگونه تنظیم الزام‌آور رفتار اجتماعی اطلاق می‌شود و یا به عبارتی به تسمیت و سامان‌دهی کلی زندگی اجتماعی با اتکا به اقتدار دولت اشاره می‌کند. در معنای خاص نیز، به معنای مداخله دولت در نظام حقوقی است. در معنای اخص نیز، به معنای مداخله دولت از طریق مقررات‌گذاری است. بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌های شورای رقابت و قاعده‌گذاری سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی مصادیق اصلی و نمونه‌هایی از رگولاتوری در ایران هستند (راسخ و حسینی‌گرایی، ۱۳۹۴: ۷-۸).

۲. آنچه سازوکارهای حقوقی را از سازوکارهای غیرحقوقی همچون سازوکارهای اخلاقی متمایز می‌کند، وجود دو نوع الزام درونی و بیرونی در سازوکارهای حقوقی است. توضیح آن‌که سازوکارهای اخلاقی فقط الزامی درونی داشته و خودکنترلی عامل اجرا و تضمین آن است؛ اما سازوکارهای حقوقی علاوه بر الزام درونی، دارای الزام بیرونی نیز می‌باشد که به دلیل دارا بودن ضمانت‌اجراهای حقوقی، الزام بیرونی دارند (اسدی، ۱۳۹۲: ۸۹).

دولت به منظور حفظ نظم عمومی و تحقق اهدافش در خانواده وفق اصول (۱۰) و (۲۱) قانون اساسی به مداخله در این نهاد می‌پردازد که گاهی این سازوکارها نهادهای ذی‌صلاح هستند و گاه سازوکارها، ابزارهای حقوقی‌اند که دولت از ظرفیت آن‌ها جهت مداخله در نهاد خانواده بهره می‌گیرد؛ البته سازوکارهای اتخاذی دولت نسبت به نهاد خانواده باید متفاوت از سایر نهادهای خصوصی باشد؛ زیرا خانواده به‌عنوان یک نهاد خصوصی فارغ از مسائل اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیست؛ بدین ترتیب دولت نباید در اتخاذ سازوکارهایش تنها به سازوکارهای حقوقی بسنده نماید؛ بلکه باید از ظرفیت سازوکارهای اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی خدماتی، رفاهی، اقتصادی و غیره در نهاد خانواده بهره‌برد؛ لیکن از آنجا که موضوع کتاب پیش‌رو، حقوقی است تمرکز نگارنده بر سازوکارهای تقنینی معطوف شده است.

بنابراین دولت از طریق سازوکارهای حقوقی همچون سازوکارهای حقوق خصوصی، قضائی، اداری، مالی و کیفری در نهاد خانواده مداخله می‌کند تا مناسبات بین نهاد خانواده و اجتماع را تنظیم و کنترل کند. در این قسمت به‌عنوان نمونه به تبیین برخی از این سازوکارهای حقوقی دولت که قابلیت اجرایی در نهاد خانواده دارد، اشاره می‌شود:

**الف) سازوکار حقوق خصوصی:** سازوکارهای حقوق خصوصی، به‌منظور جبران خسارت و پیشگیری از اثر عمل حقوقی که باطل یا غیرنافذ است تعیین می‌شود. افزون بر این، برخی سازوکارهای حقوق خصوصی، خاص نهاد خانواده است، برای مثال نهاد حقوقی مهریه و نفقه برای زوجه و یا حق ریاست برای زوج فقط در خانواده مطرح می‌شود. حال آن‌که در روابط اجتماعی، کسی متکفل هزینه‌های دیگری نیست و یا اصل، عدم ولایت افراد بر یکدیگر است و کسی را نمی‌توان ولی و سرپرست دیگری دانست.

از آنجا که ازدواج به‌خصوص ازدواج دائم از عقود اجتماعی است که آثار آن محدود به طرفین نمی‌شود و نه تنها سرنوشت فرزندان به آن بستگی دارد، بلکه نظم عمومی ایجاب می‌کند این کانون از دسترس اراده و تصمیمات فردی مصون بماند. همین آثار است که جنبه اجتماعی خانواده را متجلی ساخته و خانواده را موضوع مداخله دولت قرار داده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ج ۲: ۲۵۴). افزون بر این، انحلال نکاح و از میان برداشتن آثار و الزامات ناشی از آن، تنها از طریق قانون میسر است و طرفین نمی‌توانند با تراضی و اقاله نسبت به آن اقدام کنند. همچنین در نهاد خانواده حقوق و تکالیفی وجود دارد که مشمول قواعد آمره و اخلاق حسنه بوده و خارج از حریم توافق و تراضی اعضای خانواده می‌باشد (بروجردی، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۴). تمامی این موارد موجب شده، دولت با

اتخاذ سازوکارهای حقوق خصوصی، در جهت حفظ و بقای خانواده حمایت بیشتری از خانواده به عمل آورد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۵). برای مثال حق ریاست برای زوج، به معنای حق شخصی مرد و اطاعت محض زن از وی نیست؛ بلکه ناظر به مصالح جمعی خانواده می‌باشد و وجه تکلیف و مسئولیت اجتماعی در آن برجسته‌تر است. از این رو ریاست زوج بر خانواده در زمره قواعد آمره و مربوط به نظم عمومی نیز می‌باشد؛ لذا مرد نمی‌تواند از اجرای آن امتناع یا به دیگری واگذار کند. همچنین وی نمی‌تواند از این حق خود سوءاستفاده نماید و باید همواره صلاح خانواده را در نظر بگیرد. از این رو، دولت با واگذار نمودن حق ریاست به مرد در نهاد خانواده، در راستای انسجام، استحکام و تعالی<sup>۱</sup> خانواده گام برداشته است (بروجردی، ۱۳۹۵: ۴۶).

**ب) سازوکار کیفری:** سازوکارهای کیفری، مجموعه ابزاری است که بر چگونگی مجازات بزهکاران و اقدامات تأمینی از طرف دولت دلالت می‌کند. ویژگی این سازوکارها آن است که سرعت عمل در پیگیری و اجرای واکنش دارد. زیرا مصلحت اجتماعی ایجاب می‌کند که نظم عمومی مختل شده، هرچه زودتر سامان یابد. بر این اساس هدف از اتخاذ سازوکارهای کیفری توسط دولت، تضمین نظم عمومی یا اعمال واکنش مناسب در برابر تخلف از بایدها و نبایدهایی است که به نظم عمومی جامعه خدشه وارد می‌کند (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۴۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۷۷). البته هدف از سازوکارهای کیفری، صرفاً حفظ نظم عمومی نیست بلکه پاسداری از حقوق و آزادی‌های افراد را نباید از نظر دور داشت؛ زیرا اهمیت حفظ برخی حقوق و آزادی‌های شهروندان در جامعه ایجاب می‌کند که برای رفتارهای مخل این آزادی‌ها ضمانت‌اجراهایی پیش‌بینی شود که شدیدتر از تضمین‌های مدنی باشد (اسدی، ۱۳۹۲: ۳۴).

نهاد خانواده از ویژگی‌هایی برخوردار است که تشکیل و بقای آن با الزام و اجبار کیفری سنخیتی ندارد. از این رو اصل اولیه، عدم اتخاذ سازوکارهای کیفری توسط دولت در این نهاد است. با این همه، مواردی وجود دارد که دولت بنا بر ضرورت در راستای صیانت از نهاد خانواده و پاسداری از قواعد حاکم بر آن به جرم‌انگاری<sup>۲</sup> برخی رفتارها پرداخته است (مقدسی و یزدانی،

۱. خداوند در آیه (۶) سوره تحریم می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ این آیه ناظر به مسئولیت مرد در نهاد خانواده است که علاوه بر مسئولیت مالی که برعهده اوست، در راستای مصالح معنوی خانواده نیز باید گام بردارد (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۱۲۷؛ ج ۲۴: ۲۸۵).

۲. جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن، دولت رفتاری را ممنوع یا انجام آن را ضروری می‌سازد و در قبال نقض آن به واکنش‌های کیفری و در رأس آن‌ها به مجازات متوسل می‌شود (نجفی ایرن‌آبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۹۰).